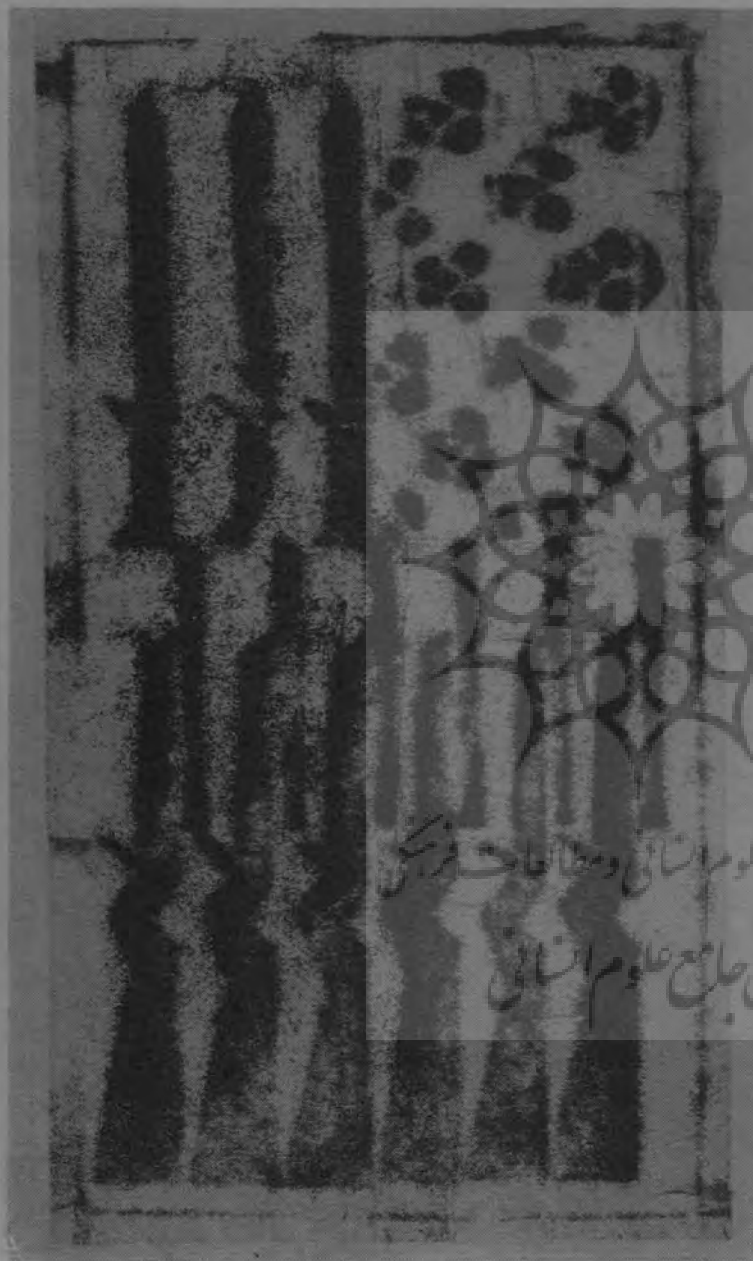


اعراب و جامعه اسرائیل

ناصر پورقمی



در بررسی شرایط حاکم بر خاورمیانه عربی، به دوماهه اساسی اشاره کردیم: نخست اینکه به سبب خصالت کنونی حکومت و اجتماع اسرائیل و نیز به سبب بافت و ریخت کنونی خاورمیانه، برای حل این بحران هیچگونه راهی از طریق مذاکره و اقدامات مسالمت‌جویانه وجود ندارد. و دیگر آنکه کشورهای عربی خاورمیانه با شکل سیاسی و اجتماعی کنونی خود و فاصله‌ای که بین خواسته‌های اصیل توده‌ها و رهبران سیاسی و اقتصادی این ممالک وجود دارد، قدرت هم‌اوردی با اسرائیل را ندارند. انگیزه نبرد با اسرائیل در میلیونها نفر توده‌های مردم عرب در اساس ضعیف و غیر قابل اتکاست و آنان در جبهه‌ای نزدیکتر از جبهه اسرائیل - یعنی در جبهه استثمار داخلی - درگیرند و یا حتی در برخی از کشورهای عربی مبارزه در این جبهه نزدیک نیز در توده‌ها شکل سیاسی و انقلابی، در حد ابتدائی هم نگرفته است و زمانی که توده‌های مردم این کشور شکل سیاسی بگیرند، نخستین جبهه مبارزه برای آنان همین جبهه داخلی است - باین توضیح که برای آنان مبارزه در جبهه داخلی از مبارزه ضد اسرائیلی انفکاک ناپذیر است.

به هر حال، تا هنگامی که توده‌های مردم عرب شکل سیاسی و انقلابی لازم را به خود نگیرند، هیچگونه کمک تسلیحاتی از خارج از مرزهای جغرافیایی آنان قادر نیست که آنان را در برابر اسرائیل و امپریالیسم جهانی به پیروزی برساند و حتی اگر نوعی به اصطلاح پیروزی بر اسرائیل، از خارج از مرزهای منطقه خاورمیانه به کشورهای عربی حقیقه و تحمیل شود، چنین امری را نباید بایک پیروزی انقلابی اصیل اشتباه گرفت. چرا که چنین حالتی در حقیقت امر قادر نیست هیچ چیز را به‌طور بنیادی دگرگون سازد و شکست همچنان در طبیعت روابط اجتماعی در کنار مردم عرب باقی خواهد ماند. باین اصل همچنان توان خویش را حفظ خواهد کرد که این عوامل درونی جامعه و دگرگونی‌های آنست که مسیر و سرنوشت جامعه را تعیین میکنند و عوامل خارجی، تنها میتوانند قابلیت تأثیر و تغییر شتاب را بر جامعه داشته باشند.

مقاله علمی و تحقیقاتی در زمینه علوم اجتماعی و فلسفه
مقاله علمی و تحقیقاتی در زمینه علوم اجتماعی و فلسفه
مقاله علمی و تحقیقاتی در زمینه علوم اجتماعی و فلسفه

جنگ‌های نژادی و مذهبی و انگ‌مبارزه

طبقاتی

همچنین این نکته را به تکرار و به تأکید یادآوری کردیم که حتی از نظر سیاسی، خوش‌سیماترین رهبران عرب نیز - که زمانی به حق جبهه اصلی را در کشورهای خودی تشخیص کرده بودند - به سبب نداشتن دانش سیاسی و ایدئولوژیک و بنابراین عدم اعتقاد به ضرورت دگرگونی مبانی اقتصادی و اجتماعی جامعه و نیز بدان سبب که دگرگونی را نه در علق، بلکه تنها در سطح و آنهم در سطح رهبران و برمسند نشتگان ضروری میدانستند، پس از چند سال پر جوش و خروش نخستین، رفته رفته دقیقاً به همان مواضع فکری و عملی رسیدند که رهبران سرنگون شده پیشین در آنها جاخوش کرده بودند و هنگامی که ضرورت و وجوب یک ایدئولوژی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نیز تشکل و تحزب را احساس کردند، چیز موهومی به نام ایدئولوژی قومی را ابتکار کردند و در این مسیر بعضاً حتی نام سوسیالیسم را هم به عاریت گرفتند، «احزاب سوسیالیست عرب» را سرهم بندی کردند

و در پیشرفته‌ترین کشورهای عربی کاریکاتوری از سوسیالیسم ترسیم کردند و آنرا «سوسیالیسم عربی» خواندند و این جامعه عاریتی را به ظاهر بر قامت نارسا و ناسازو ناهماهنگ جوامع خود پوشاندند و در همین راه کوشیدند با دامن زدن به احساس‌های مذهبی و نژادی، چیزی که به اصطلاح آنرا «وحدت ملی عربی» نامیدند، به وجود آورند. غافل از آنکه دست کم از آن زمان که جوامع به طبقات تقسیم شده است، چنین وحدت بزرگ و قاطع و شاملی، تنها به سبب یکسانی

مذهب و نژاد، هرگز پیش نیامده و به یاد آوریم در تاریخ اجتماعات بشری دقیقا در همان مواردی که پرده دودی از مذهب و نژاد و یا هر دو، دیدگان تاریخ سازان و نیز تاریخ نویسان را کور کرده است، انگ مبارزه طبقاتی و نیازهای مشخص مادی بشری بروحدهای زودگذر نیز قابل تشخیص است.

شکل بندی جامعه اسرائیل چگونه است ؟

بررسی ما درباره وضع کشور های غربی به درازا کشید ، چرا که نیشد کشور های عربی خاورمیانه ، این طرف اصلی بحران کنونی را نادیده گذاشت و گذشت و نیشد زیاد مجمل از وضع و کیفیت درونی آنها رد شد . با اینهمه ، آنچه ما گفتیم ، تنها ناشی از یک نگاه شتابناک و گذرا به وضع درونی کشور های عربی بود و بررسی وضع درونی کشورهای عربی - که عامل اصلی شکست ها و ناکامی های مداوم این کشورها در بحران کنونیست - به بررسی وسیع تر ، همه جانبه تر و عمیق تر نیاز دارد .

بگذریم . ما درباره وضع جوامع عربی ، جبهه های دورنوردیک مردم عرب ، مایه های ناسیونالیسم در خاق های عرب ، پیوند ها و جدایی های توده های عرب ، تضادها و تعارض ها و ستیزه جویی های طبقاتی در جوامع عرب ، خصوصیات گروه های مختلف اجتماعی عرب و نیز درباره وضع نظامی کشور های عربی سخن گفتیم و با وجود تفاوتها و اختلاف های محسوس جوامع عربی ، به سبب کوتاهی سخن ، به ناچار بیشتر بر وجود مشترک جوامع کشور های مختلف عربی تکیه کردیم . ولی اینها همه - رسا و نارسا - درباره یک طرف این بحران بود . بینیم طرف دیگر بحران و کشمکش ، یعنی اسرائیل در چه وضع و شرایطی قرار دارد ، در جامعه اسرائیل چه مایه هایی از ناسیونالیسم وجود دارد و این جامعه چه مقدار تیر و وامکان برای ستیزه جویی با مردم عرب در غرضه یا درنخیره دارد و مردمی که در محدوده اسرائیل نیست میکنند تا چه حد برای مبارزه تجهیز شده اند . و بعد بینیم آنچه اسرائیل را در برابر ممالک عربی به پیروزیهایی بیایی میسراند - علاوه بر حمایت های بیدریغ امپریالیسم جهانی - چیست و چگونه است که محدوده ای که از سرزمینهای عربی غصب شد و اسرائیل نامیده شد مدام متورم تر ، بزرگتر و پرتوان تر میشود و این طور مهاجرت جدید ناشی از روشهای نادرست رهبران کشورهای عربی در مبارزه با اسرائیل نقش و تاجه حد به سبب حمایت بیدریغ جهان سرمایه داری از این دیده بان در خاورمیانه است و تا چه مقدار ناشی از شرایط داخلی آنست .

نخست در يك كلام بگوئیم که اکنون حتی روشنفکران آگاه ترین و همچنین مظلوم ترین گروه های جامعه اسرائیل نیز هنگامی که مساله مبارزه با کشورهای عربی پیش می آید ، به ناچار موضعی اتخاذ می کنند که با موضع سطح جویانه و توسعه طلبانه رهبران صهیونیست اسرائیل فاصله چندانی ندارد . آنان نیز تقریبا به همان ترتیب با اندیشه مرگ و زندگی در برابر کشور های عرب قرار می - گیرند که متعصب ترین صهیونیست ها قرار میگیرند . زیرا که آنان نیز در پیروزی احتمالی کشورهای عربی خود را سخت درمخاطره می بینند ، برای آنان نیز مساله بود و نبود مطرح میشود و حتی ترس از احیاء مخاطرات ضد یهودی از نوع نازیسم در دل آنها رخنه میکند .

شاید بهتر باشد نخست بایک دید اجمالی خصوصیت های اصلی اسرائیل را بازگو کنیم و بعد درآینده این بحث ها ، به بررسی گسترده تر وضع اسرائیل بپردازیم ، اسرائیل در يك جمله ، مجموعه ای از تضاد های تند و مصادم است : در اندیشه های صهیونیستی تشکیل آن ، در عوامل و عناصر ذینفع در تشکیل آن ، در نحوه و عنت جهانی

حمایت از تاسیس آن ، در عناصر تشکیل دهنده اجتماع آن ، در شیوه های داخلی و خارجی سیاسی آن ، در اقتصاد آن ، در فرهنگ گونه گون و معارض آن ، در جمعیت و تکنولوژی آن و خلاصه آنکه در همه علل و عواملی که آنرا ایجاد کرده است و نیز از آن نشأت میکند .

اسرائیل يك دولت سرمایه دار است که حتی به شیوه حریصانه ولی مضحکی میکوشد تبدیل به يك امپراطوری شود - و آنهم درست در روزگاری که دینامیسم خاص عصر ما امپراطوریهایی بزرگ را به خاک سپرده و میسپارد !

به هرحال دولت اسرائیل با شرایط و خصوصیات يك دولت سرمایه داری ، از نخستین سالهای تاسیس خود ، ناگزیر کوشید که برای جلوگیری از تلاشی درونی اش - به سبب ناهمگونی و نارسانی وسایل وامکانها رشد - يك سرمایه داری متمرکز و رهبری شده در حال توسعه را سازمان دهد .

مظهر این سرمایه داری متمرکز رهبری شده ، Histadruth است که عبارتست از يك سندیکای اسرائیلی که در عین حال ، نقش کارفرما را نیز برعهده دارد . «هستادروت» یعنی این به اصطلاح سندیکا ، صاحب شبکه وسیعی از هتل ها ، کارخانه ها و ساختمانهاست و بدین ترتیب در اقتصاد اسرائیل تولیدات عمده - چه از نظر کالایی و چه از نظر خدماتی - در اختیار این به اصطلاح سندیکاست . در عین حال به همان ترتیب که قبلا گفته ایم ، اسرائیل يك برج ویاروی نظامی است و اقتصاد آن يك اقتصاد جنگی است و هر واحد اجتماعی آن ، از شیان و اناس ، این اصل را در پیش رو دارد که در شرایط جنگ چه خدماتی میتوانند به احتیاجات نظامی کند و سازمان نظامی چگونه میتواند به طور کامل از آن بهره جویی کند . بدین جهت ، این به اصطلاح سندیکا «هستادروت» هرآن آماده است که تولیدات و خدمات خود را در خدمت جنگ بگذارد و حتی وسایل نقلیه موتوری خود را برای حمل و نقل سربازان و نیز نیاز های جبهه تجهیز کند . کارگران ، کارکنان دفتری ، مدیران و دیگر پرسنل آن در عین حال که به خدمات تولیدی اشتغال دارند ، آموزش نظامی می بینند و بیوسته برای اعزام به جبهه های نبرد آماده اند . شاید بهتر آن باشد که بگوئیم کارگران ، کارکنان و حتی مدیران واحد های تولیدی در حقیقت سربازانی هستند که اوقات فارغ از جنگ خود را در واحد های تولیدی - ام از تولید کالای تولید خدمات - میگذرانند .

روستاهای اسرائیل و خصوصیت استراتژیک آنها

در روستاهای اسرائیلی - که روستاهای مدرتی هستند و نمیتوانند با پیشرفته ترین روستاهای دنیای غرب همسری کنند - وضع به گونه ای دیگرست .

حتی پیش از تاسیس دولت اسرائیل و هنگامی که هنوز فرمانروائی با امپراطوری انگلیس بود ، از مناطق یهودی نشین ، کیتوتزها (Kiboutzs) از روی مدل یوشاو و بوسینه نخستین مهاجران یهودی در سرزمین فلسطین ایجاد شد و بعد که دولت اسرائیل به وجود آورده شد ، با ویران کردن روستاهای عرب نشین و آواره کردن مردم اصلی سرزمین فلسطین و راندن آنان به اردوگاهها ، تشکیل و تاسیس کیتوتز ها گسترش یافت و اکنون تقریبا تمامی روستاهای اسرائیلی شکل کیتوتز دارند . کیتوتز در حقیقت امریک شکل بهره برداری دسته جمعی و گروهی از زمین است و در بسیاری از جهات مشابه کالخوز های روسی است .

در چهارچوب برج و باروی نظامی ای که اسرائیل نام دارد ،

کیبوترها از يك خصوصیت اساسی دیگر نیز برخوردارند و آن اینکه اغلب کیبوترها «نامال» هستند یعنی پایگاههای واقعی که درمواقع استراتژیک قرار داشته ، و پیوسته برای جنگ آمادگی دارند. دراین کیبوترهای نامال اصل برآنست که کیبوتر خود بتواند نیازهای اولیه زیستی و حتی نظامی خود را - در حد مقدور - تامین کند و بتواند هر آن به شکل يك دژ نظامی درآید . بدین ترتیب باید یادآوری کنیم که وقتی فلسطینی ها از روستاهایشان و از میهنشان به زور رانده شدند ، کیبوترها در همان محدوده جانشین روستاهای عرب نشین فلسطین نشد، بلکه اغلب در مناطقی به وجودآورده شد که ارزش استراتژیک نیز داشته باشد و اگر فلسطینیان از روستاهای زادگاهشان رانده و آواره شدند ، یکی به آن سبب بود که اسرائیل خواهان جامعه‌ای یکدست (مذهبی - نژادی) بود و دیگر آنکه مردم عرب روستاهای فلسطینی ، در برابر تجاوزات صهیونیست ها مقاومت میکردند و حتی در اواخر این مقاومت شکل مسلحانه داشت .

به هر حال . این «نامال» ها کاملاً زیر نفوذ نظامی قرار دارند و خود نیز دارای تشکیلات نظامی هستند و آموزشهای نظامی و آمادگی پیوسته نامال نشین ها ، برای جنگ ، يك امر عادیست . خلاصه آنکه با توجه به بهره‌برداری دسته جمعی از کیبوترهاست که گاه صهیونیست‌ها صفت سوسیالیست را بر اسرائیل اطلاق می‌کنند و چنین ساختی است که برای فریب یهودیان غیر متعصب جهان و جذب آنان به سوی اسرائیل ، صفت سوسیالیست بودن را بزرگ می‌کند . البته اسرائیل که در یکجا و برای يك گروه از یهودیان جهان و حتی برای گروهی از روشنفکران وامانده غیر یهودی دنیای سرمایه‌داری سوسیالیست است ، برای يك یهودی بورژوازی لیبرال ، پایگاه دموکراسی پارلمانتار نشان داده میشود ، برای افراطیون دست راستی یهودی ، اقدامات خشن سازمان « هاگانا » و « کشتارهای دارو دسته آقای مناهیم بگین جاذبه دارد و برای گروهی دیگر از یهودیان - یعنی یهودیان متعصب و متدین - جاذبه‌های دیگر دارد که عبارتست از قوانین آسمانی و خدایی !

صهیونیست‌ها برای نشان دادن حقانیت خود در امر اشغال فلسطین و تاسیس دولت اسرائیل ، با استفاده از تورات يك خصلت مذهبی به حکومت اسرائیل میدهند که در قوانین ربانیک Rabiniques خلاصه میشود و قوانین ربانیک ، قوانین رسی و مورد عمل دولت اسرائیل هستند .

ما درباره وضع عمومی اسرائیل و خصوصیت های آن در بحث‌های آینده با تفصیل بیشتری سخن خواهیم گفت ولی در اینجا به همین قدر از شمای حکومت اسرائیل بسنده می‌کنیم . اسرائیل در این غرض از این توضیح مختصر درباره مبانی حکومتی اسرائیل آن بود که بتوانیم آمادگی های اسرائیل را برای نبراک بتناسیم ، غرض آن بود که براین نکته آگاه شویم که دولت اسرائیل میکوشد پیوسته حضور جنگ را در زندگی روزمره مردم اسرائیل نشان دهد و ساخت جامعه خود را چه در شهر و چه در ده - براین اساس گذاشته است و چنین وضعی در مقایسه با وضع ناهماهنگ و نا آماده کشورهای عربی ، مبانی سازمانی پیروزیهای اسرائیل بر ممالک عربی را آشکار میکند .

از سوی دیگر باید بدین نکته توجه کرد که اکنون دیگر تمامی جمعیت اسرائیل را مهاجران تشکیل نمیدهند (علاوه بر گروه اندکی غیر مهاجر اسرائیل که یهودیان بالنسبه اصیل فلسطین هستند) . اکنون اسرائیل وارد بیست و پنجمین سال تاسیس غیر قانونی خود شده است . بسیاری از کسانی که در نخستین سالهای تاسیس دولت اسرائیل به آن کشور رفتند و خاصه یهودیانی که حتی پیش از تاسیس اسرائیل



طرح از پطرس کارامیان